آموزش تحلیل سیاسی/ آینده‌ی انقلاب (3)

سوم، مردمی بودن: «آن‌چیزی که به‌وسیله‌ی ابرقدرت‌ها قابل از بین رفتن است، عبارت از حکومتی است که به مردم متکی نیست. آن چیزی که به وسیله‌ی عوامل سازمان جاسوسی آمریکا، در یک کشور قابل برداشتن و گذاشتن است، حکومت یا دولتی است که با مردم رابطه‌ای نداشته باشد و پشتوانه‌ی عظیمِ قوىِ مردمی، پشت سرش نباشد. حکومتی که دشمن خارجی می‌تواند چهار نفر را علیه آن به کودتا وادار و تحریک بکند، حکومتی است که روی تخت حکومت نشسته، اما مردم به او وصل نیستند.»(۱۳۶۸/۱۱/۲۰)





معاونت تحلیل و بررسی سیاسی

**سال دوم / شماره 93/ چهارشنبه 24 مرداد ماه 1397**

**معاونت تحلیل و بررسی سیاسی**

**سعودی‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌، ناتوان و خسته در برابر مقاومت یمن**

****

عربستان در یمن در وضعیت بسیار شکننده قرار دارد و موازنه قوای منطقه‌ای نیز عربستان را در مخمصه دیگری قرار داده است. در سطح منطقه‌ای تلاش‌ها و سرمایه‌گذاری‌‌های متعدد عربستان چه در سوریه، چه در عراق و همچنین در لبنان نتایج ملموسی برای این کشور در پی نداشت و اکنون نیروهای رقبای عربستان در چندین پایتخت عربی قدرت و توان مانور خود را بیش از پیش افزایش داده‌‌‌اند. این 2 موضوع یعنی شکست در یمن و شکست کلی در سطح منطقه، سبب شده‌‌ عربستانی‌‌های همچنان بر تداوم جنگ در همسایه جنوبی خود اصرار داشته باشند، زیرا تنها گزینه برای آنان در یمن که نقطه اتکای آنان محسوب می‌شود این است که در این کشور پیروزی بزرگ نظامی به دست آورده و از این موضوع به عنوان پلی برای پایان بخشیدن آبرومندانه به جاه‌طلبی‌‌های خود در یمن و بهبود جایگاه منطقه‌ای استفاده کنند. یعنی عربستان با استفاده از این پیروزی برای تغییر موازنه قوای موجود و بهبود وضعیت خود استفاده می‌کند. عملیات کنترل الحدیده نیز در همین راستا انجام شد که دستاوردی برای سعودی‌ها در پی نداشت. تلاش‌‌های عربستان و امارات در چند هفته گذشته برای حصول توافق با نیروهای «القاعده یمن» و بویژه «داعش» در یمن و گسیل این نیروها به جبهه الحدیده خود گویای این واقعیت است. توان رزمی و ظرفیت جنگی سعودی‌ها به‌رغم تبلیغات رسانه‌ای بسیار ضعیف و شکننده است؛ آنان اکنون در تلاش هستند از توان رزمی و قدرت جنگی تروریست‌‌های داعش و القاعده برای جبران ضعف‌‌های خود استفاده کنند. این 2 گروه تروریستی تجارب جنگی فراوانی دارند و در انجام جنگ‌‌های غیرمتعارف و غیرکلاسیک از نیروهای سعودی تجربه بیشتری دارند. عربستان به واسطه اینکه خاستگاه فکری مشترکی با داعش دارد طی سال‌‌های

گذشته از این گروه برای پیشبرد اهداف خود چه در سوریه و چه در عراق استفاده کرده است و اکنون نیز تلاش می‌کند این کارت را برای تضعیف انصارالله به کار گیرد تا حداقل از طریق کارت تروریست‌ها برخی از خواسته‌‌های خود را به مردم یمن تحمیل کند.

**در برابر نژادپرستی**

****

اقدام اخير صهيونيست‌هاي افراطي به سركردگي بنيامين نتانياهو نخست‌وزير رژیم صهیونیستی و وزير امور خارجه علنا نژادپرستش «اويگدور ليبرمن» در عنوان كردن و به تصويب رساندن قانون «كشور يهود» در مجلس رژیم صهیونیستی هر قدر خلاف قوانين حقوق بشر و مفسدآميز و ضددموكراتيك بود و مورد نفرت مردم جهان به خصوص مسلمانان و مردم فلسطيني و يهوديان آگاه قرار گرفت، در عين حال يك نتيجه مثبت و تاثيرگذار دربرداشت كه نشانه‌هاي آن به زودي نمايان شد. بعدازظهر دوشنبه نهم مرداد ١٣٩٧ در تظاهراتي ده‌ها هزار نفري از يهوديان و مسلمانان ساكن اسراييل به تدبير قانون «كشور يهود» اعتراض شد در اين تظاهرات علاوه بر كثيري از مسلمانان و يهودياني كه در خيابان‌هاي تل‌آويو حضور يافتند، تعدادي از نمايندگان مجلس اسراييل«كن‌فست» نيز پيشاپيش صفوف مردم حركت مي‌كردند. از مجموعه ١٢٠ نفري نمايندگان مجلس رژیم صهیونیستی فقط ٦١ نفر به قانون كشور يهودراي موافق داشتند و بقیه راي مخالف دادند و اين خود لرزان بودن اين قانون را به خوبي نشان مي‌دهد. نكته جالب توجه اينكه رسانه‌هاي امريكا و اروپا كه تظاهرات چند نفري را در فلان كشور به ميل خود بارها تكرار مي‌كنند و با آب و تاب آن را تحليل و بررسي مي‌كنند، از تظاهرات ده هزار نفري مردم تل‌آويو در اعتراض به اقدامات دولت اسراييل و تجزيه و تحليل آن سخني نگفته‌اند و از اعلام به موقع آن طفره رفتند. به رغم اين بي‌توجهي‌ها پيداست كه اين پايان ماجرا نيست...! و نژادپرستي و آپارتايد در عصر ما هرچند با سر و صدا عنوان شود در اثر مبارزه مشترك مردم به شكست منجر خواهد شد.

**پرتاب ماهواره، با اجازه بزرگ‌تر‌ها!**

****

براساس اسناد بالاد‌سـتی نظام، صنعت هوافضا از اهمیت ویـژه‌ای برخورد‌ار و د‌ر نقشـه جامع علمی کشـور، د‌ارای اولویت «الف» است. اهمیت ماهواره‌ها موجب شد‌ه تا د‌ر سند هوافضا د‌ر د‌و بخش هوایی و فضایی، اهد‌اف کلانی د‌ر نظر گرفته شود. این د‌ر حالی است که به گفته رئیس مرکز ملی فضایی جوامع جهانی به روی پرتاب‌های ماهواره‌ای ما حساس هستند و بنابراین این پروژه د‌چار وقفه شد‌ه است. براساس سند هوافضا، ایران باید تا سال ۱۴۰۴ علاوه بر انجـام مأموریت‌هـای فضایی سرنشـین‌د‌ار و قرارد‌اد‌ن انسـان د‌ر مد‌ار، باید بـه قطب منطقـه‌ای و د‌ارای جایگاه برجسـته جهانی

د‌ر حوزه هوایی و هوانورد‌ی تبد‌یل شود. اتفاقی که با محافظه‌کاری مسئولان بعید به نظر می‌رسد؛ چراکه برخی مد‌یران تفکرشان این است که باید بابت فعالیت‌های علمی هم از جامعه جهانی اجازه بگیریم. تسلط د‌اشتن ایران د‌ر زمینه انجام مأموریت‌های فضایی سرنشین‌د‌ار و قرارد‌اد‌ن انسان د‌ر مد‌ار با اولویت «توانمند‌ی‌های د‌انشگاه‎های کشور» از د‌یگر اهد‌اف تعیین‌شد‌ه د‌ر سند جامع توسعه هوافضاست. زمانی که سند‌ی علمی د‌ر بالاترین سطح مد‌یریتی کشور مصوب می‌شود، باید فارغ از تعارفات جهانی و نگرانی از حساسیت برخی کشور‌ها بر افزایش توان علمی خود بکوشیم. آن هم برنامه‌ای که هیچ کجای آن جنبه نظامی ند‌ارد.

**دو وحشت عمده آمریکا**

****

دو «وحشت راهبردی»، آینده و سیاست‌های آمریکا در منطقه را بشدت تحت تأثیر قرار داده است؛ سرنوشت اسرائیل و سرنوشت دولت سعودی. برای برون‌رفت از این دو وحشت، واشنگتن گزینه‌های مؤثری در اختیار ندارد. قدرت مالی، قدرت نظامی و قدرت ائتلاف‌سازی، هیچکدام نمی‌توانند به این دو وحشت راهبردی خاتمه دهند. از این روست که آمریکا در این زمان بیش از هر زمان دیگر به تبلیغات سیاسی و عملیات روانی حول محور «قدرت مؤثر آمریکا» احتیاج مبرم دارد. در واقع این تنها گزینه آمریکاست. در این خصوص گفتنی‌هایی وجود دارد:

1- تا چهار دهه پیش منطقه ما به جز چند استثنا تحت سیطره سیاسی، نظامی، اقتصادی و امنیتی آمریکا قرار داشت، ایران، ترکیه، مصر، عربستان، پاکستان، رژیم جعلی اسرائیل، اردن، لبنان، مراکش، یمن شمالی، عمان، هند و... حد فاصل شبه قاره تا غرب قاره آفریقا در قرنطینه واقعی و همه جانبه آمریکا قرار داشت. 2- پایه اصلی اقتدار آمریکا در منطقه، قدرت نظامی آن بود. این قدرت توانسته بود از آمریکا «سیطره‌ای بی‌بدیل» به تصویر درآورد.استراتژی در واقع «هنر مدیریت درست امکانات و موقعیت‌ها برای حداکثرسازی منافع و کاستن از تهدیدات اساسی است». هم اکنون جمع‌بندی ارتش آمریکا و پنتاگون این است که جنگ‌افزارهای زمینی، دریایی و هوایی آمریکا بخصوص جنگ‌افزارهای غول پیکر نظیر ناوهای هواپیمابر به جای آنکه بال حرکت آمریکا در مواجهه با مخالفان آن باشند، ورز و وبال آمریکا هستند. 3 - فلسفه وجودی اسرائیل براساس بیانیه رسمی «گلدمایر» حفاظت از منافع غرب در آسیا و گسترش آن بوده است. بالفور از مقامات مؤثر انگلیسی در تأسیس رژیم صهیونیستی نیز با صراحت گفت اسرائیل پیشانی جنگی ما در آسیا علیه مخالفان است. امروز اما تصویری که اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها از اسرائیل دارند به هیچ وجه با این ایده همخوانی ندارد. اسرائیل دیگر پیشانی جنگی غرب نیست کما اینکه نتوانست در بحران سوریه که بر مبنای حذف اسد از قدرت‌ اندک کمکی به غرب بکند. اسرائیل امروز نیازمند سیاست‌های حفاظتی است و این نشان می‌دهد اسرائیل دیگر «مهاجم» نیست.4- رژیم عربستان سعودی نیز هم‌اینک به یک نگرانی عمده برای آمریکا تبدیل شده است. غرب به کمک عربستان امپراتوری نیمه جان

عثمانی را در بخش عربی شکست داد. با کمک عربستان رژیم صهیونیستی را تاسیس کرد. با کمک عربستان، جبهه‌ای- نیم‌بند- منطقه‌ای علیه ایران شکل داد. در دوره نیکسون، آمریکایی‌ها با صراحت از عربستان به عنوان «ستون مالی» سیاست‌های خارجی خود یاد می‌کردند و چند سال پیش هنری کیسینجر وزیر خارجه دهه 1350 گفت مقامات سعودی انبارداران ما هستند. اما هم‌اینک آمریکا نسبت به بقای رژیم و حتی کشوری با مختصات کنونی عربستان به شدت تردید دارد. آمریکا در مواجهه با عربستان با یک پارادوکس مواجه می‌باشد. از یک‌سو جنبه‌های قبایلی، دیکتاتوری، حکومت خانواده و اداره سنتی عربستان را عامل قطعی تغییر حکومت در آینده‌ای نزدیک تلقی می‌کند و از سوی دیگر بافت سیاسی اجتماعی عربستان را مانع «تغییرات مسالمت‌آمیز» می‌داند و از این رو، واشنگتن از دست زدن به تغییر در عربستان هراس دارد.

**اراده تغییر**

****

طرح این بحث که وضع موجود ماحصل سوءمدیریت در داخل است یا ریشه در مسائل خارجی دارد، مانند آن موضوع تکراری انشاست که علم بهتر است یا ثروت. علم و ثروت قیاس‌ناپذیرند و امروز تقریباً اثبات شده که علم قدرت و ثروت و مکنت را در یک بسته می‌تواند عرضه کند. سوءمدیریت داخلی، ریشه و بنیان همه ناکارآمدی‌هاست و البته چون ما در محیطی بزرگ قرار داریم، طبعاً از فعل و انفعالات خارجی نیز متأثر هستیم. حل مشکلات کنونی ممکن است؛ این ممکن بودن از لسان متخصصان دلسوز و اهل فن منصف، با رفع ناکارآمدی دولتی مهیا می‌شود و از ظن بخشی از اهل سیاست و مدیریت که حال و توان کار را ندارد، باید به‌صورت مستعمره شدن ایران فراهم شود. درصد بالایی از مردم هم فساد و رشوه و ناکارآمدی را متأثر از ضعف مدیریتی می‌دانند و این یک باور فراگیر است. متاسفانه برخلاف این باور و خواسته عمومی، دولت ظاهراً اراده‌ای برای تغییر ندارد و حتی از ابتکار عمل‌های جزیی و کوتاه مدتی مانند ترمیم کابینه نیز منصرف شده است. مقاومت در برابر برخورد با سوءتدبیر در بازار سرمایه یکی دیگر از این مصادیق فقدان اراده بر تغییر در وضع موجود است و مواردی دیگر از این دست. این‌ها بدگمانی‌ها را تقویت می‌کند که میان سخن و عمل بخشی از مدیران دولتی، تفاوت وجود دارد و این نمی‌تواند حل‌کننده مشکلات کشور باشد.

 **انقلاب اسلامی، هنوز هم نخبگان سیاسی ایران را متحد می‌کند**

****

 **( وندی شرمن)** بسیاری از مقام‌های بلندپایه حکومت ایران مستقیماً در آن انقلاب مشارکت کردند. موفقیت آنها دنیا را حیرت‌زده کرد و احساس تجارب مشترک، هنوز هم نخبگان سیاسی چند دسته ایران را به هم پیوند می‌دهد. این روحیه

انقلابی در درک نحوه نگاه ایرانی‌ها به مذاکرات هسته‌ای، حائز اهمیت است. رئیس جمهور آمریکا دونالد ترامپ تصمیم گرفت ایالات متحده را از توافق برجام خارج کرده و تحریم‌های رفع‌شده علیه ایران به موجب توافق را احیا کند و این اقدامی است که در تاریخ آمریکا به عنوان یکی از بدترین خبط‌های سیاست خارجی خواهد ماند.

 